

رشد اخلاقی دختران ؛ سبک فرزندپروری

مؤلفان:

نسرين يزداني، هانيه سادات عطاردی، سيد تقی عطاردی



کتابخانه ملی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه	یزدانی، نسرين، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	رشد اخلاقی دختران؛ سبک فرزندپروری / مولفان نسرين يزدانی، هانیه سادات عطاردی، تقی عطاردی؛ ویراستار فاطمه نامنی.
مشخصات نشر	بجنورد؛ گسترش علوم نوین، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۰۰ ص.
شابک	۶۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۷۰-۷۴-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۸۴.
موضوع	رشد اخلاقی
موضوع	Moral development
موضوع	دختران -- روانشناسی
موضوع	Girls -- Psychology
موضوع	دختران -- روابط خانوادگی
موضوع	Girls -- Family relationships
موضوع	رفتار دین -- جنبه های روانشناسی
موضوع	Parenting -- Psychological aspects
موضوع	تربیت اخلاقی
موضوع	Domestic education*
شناسه افزوده	سادات عطاردی، هانیه، ۱۳۷۸ -
شناسه افزوده	عطاردی، تقی، ۱۳۵۵
شناسه افزوده	نامنی، فاطمه، ۱۳۵۱ - ویراستار
رده بندی کنگره	BF۷۱۳ / .۴۶۵۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۶۴۹/۷
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۹۹۳۵۵

انتشارات:	گسترش علوم نوین
عنوان کتاب:	رشد اخلاقی دختران؛ سبک فرزندپروری
مؤلفان:	نسرين يزدانی، هانیه سادات عطاردی، سيد تقی عطاردی
ویراستار:	فاطمه نامنی
طراح جلد:	هادی شاهی
نوبت چاپ:	اول، بهاری ۱۳۹۷
شمارگان:	۱۰۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۷۰-۷۴-۸
تعداد صفحات:	۱۰۰ صفحه
قیمت:	۶۰۰۰۰ ریال

۱	پیشگفتار
۴	مقدمه
۱۰	اهمیت موضوع کتاب
۱۳	رشد اخلاقی
۱۵	نظریه‌های رشد اخلاق
۱۵	نظریه پیازده
۱۷	نظریه هوفمن
۱۸	نظریه کلبرگ
۲۰	نظریه فروید
۲۲	زمینه‌های رشد اخلاقی نوجوانان و جوانان
۲۴	نقش والدین در رشد اخلاقی
۲۶	نقش خانواده در رشد اخلاقی
۲۸	ویژگی‌های رشد اخلاقی دختران و تفاوت آن با پسران
۳۰	مفهوم فرزندپروری
۳۲	ابعاد شیوه‌های فرزندپروری
۳۳	طبقه‌بندی شیوه‌های فرزندپروری
۳۳	نظریه‌های بامریند
۳۴	نظریه اریکسون
۳۵	نظریه آدلر
۳۸	الگوی باتم
۳۸	الگوی شيفر
۴۰	نظریه زیگلن

۴۱	 نظریه خودتعیین گیری
۴۲	 فرزندپروری از نگاه اسلام
۴۵	 سبک های فرزندپروری با رشد اخلاقی
۴۸	 استرس و راهبردهای مقابله
۴۹	 بیماری های مرتبط با استرس
۵۰	 انواع استراتژیهای مقابله
۵۱	 تکنیک های مثبت (مقابله سازگاری یا تطبیقی)
۵۳	 تکنیکهای منفی (مقابله ناسازگاری با عدم سازگاری)
۵۴	 تئوری های روانکاوی تاریخی
۵۴	 فنیکل
۵۵	 کارن هورنای
۵۸	 لازاروس و فلکمن
۶۰	 روابط موضوع
۶۰	 تفاوتهای جنسیتی
۶۱	 ناسازگاری
۶۲	 هورمون ها
۶۳	 عوامل موثر بر انتخاب سبک های مقابله
۶۳	 رابطه شیوه های مقابله با استرس با رشد اخلاقی
۶۷	 پیشینه داخل کشور
۶۹	 پیشینه خارج کشور
۷۲	 روابط دختران با مادران
۷۵	 دوستی مادران و دختران
۷۵	 هر روز صحبت کنید
۷۶	 کمتر انتقاد کنید
۷۶	 سعی کنید مادران را خوب بشناسید
۷۷	 گذاشتن قوانین برای ایجاد یک ارتباط خوب

۷۷	 اظهار محبت
۷۸	 روابط دختران با پدران
۸۱	 نتیجه گیری
۸۴	 منابع و مآخذ

www.ketab.ir

پیشگفتار

رشد اخلاقی در نوجوانان از اهمیت به سزایی برخوردار است و اعضای خانواده، اولیای مدرسه، گروه‌های همسال و... هر یک به طریقی در تشکیل بنای اخلاقی کودکان موثر می‌باشند. بحث اخلاق نه تنها در فلسفه بلکه در روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم شناختی نیز به آن پرداخته می‌شود (رضایی، ۱۳۸۲)؛ رشد اخلاقی عبارت است از رشد انسان در جنبه‌های شناختی، گرایشی و رفتار اختیاری انسان که به کمال انسان در زندگی شخصی، اجتماعی و معنوی او می‌انجامد (لطف آبادی، ۱۳۸۰). اهمیت رشد اخلاقی در نظام‌های آموزشی و پرورشی، امری بدیهی و غیر قابل انکار است. اصولاً اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، این موضوع از دیرباز در فرهنگ‌های مختلف مورد توجه بوده و امروزه نیز در بسیاری از کشورها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (آقاممدیان، ۱۳۸۴). همچنین گرچه مراحل رشد اخلاقی در فرهنگ‌های مختلف یکسان است اما نوجوانان باورهای متفاوت خود را در همان سطح اخلاقی خود استدلال خواهند کرد (کربن، ۱۳۹۱). این مورد در دختران از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که ارضای نیازهای عاطفی و اخلاقی موجب سلامت روان و سازگاری و موفقیت می‌گردد. برعکس ارضا نشدن و یا ارضای ناقص این نیازها سبب بروز اختلالات، ناسازگاری و عدم موفقیت می‌گردد (جوکار، ۱۳۸۶). یکی از مسائل مهم، که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به‌روست، مسئله رشد اخلاقی است.

رشد اخلاقی عبارت است از رشد انسان در جنبه‌های شناختی، گرایشی و رفتار اختیاری انسان که به کمال انسان در زندگی شخصی و اجتماعی و معنوی او می‌انجامد (لطف آبادی، ۱۳۸۰). اصولاً اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، این موضوع از دیرباز در فرهنگ-

های مختلف مورد توجه بوده و امروزه نیز در بسیاری از کشورها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (آقامحمدیان، ۱۳۸۴). همچنین گرچه مراحل رشد اخلاقی در فرهنگ‌های مختلف یکسان است اما از آنجایی که نظریه رشد اخلاقی کلبک در زمینه تفکر اخلاقی است نه رفتار اخلاقی (کربن، ۱۳۹۱). به عبارتی نوجوانان و جوانان با مجموعه وسیعی از تغییرات درونی و بیرونی و تعارض‌های ناشی از ارزش‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و دینی روبه‌رو می‌شوند و باید جایگاه مهمی برای دوام و رشد خود دست و پا کنند. وظیفه انتخاب ارزش‌ها و هنجارهای مناسب برای زندگی با مشکل پیچیدگی این امور نیز همراه است. یعنی، از یک سو نوجوانان و جوانان به ظرفیت‌های تازه‌ای در فهم ارزش‌های اخلاقی و دینی دست می‌یابند و از سوی دیگر از تجربه کافی برای برخورد صحیح با مسائل پیچیده اخلاقی و ارزشی و دینی که در زندگی روزمره آنان پیش می‌آید برخوردار نیستند. با این حال آنان باید در هر لحظه تصمیمی بگیرند و از بین راه حل‌های مختلف اخلاقی و ارزشی راه مناسب‌تری را انتخاب کنند (اکرمی، ۱۳۸۱).

تحول اخلاقی و ارزشی و دینی در دختران نوجوان بیش از پسران نوجوان (بخاطر بلوغ) است. رشد سریع شناختی در نوجوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره مسائل اخلاقی و ارزشی و دینی قضاوت کند و در برخورد با این مسائل واکنش دقیق‌تر و پیچیده‌تری نشان دهد. همچنین تحولات وسیع عاطفی و اجتماعی و مواجه نوجوانان و جوانان با مقتضیات زندگی و انتظارات والدین و دوستان و اطرافیان و تجارب تازه‌ای که در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود کسب می‌کنند درگیری آنان را با مسائل اخلاقی و ارزشی بیشتر می‌کند و زمینه‌های رشد آنان در این امور را گسترش می‌دهد (دهقانی، ۱۳۸۵). همچنین تاثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز شده و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می‌شود و در سراسر زندگی باقی می‌ماند.

روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل موثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می دهد که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم کودکان و نوجوانان موثرند، تاثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهم ترین و بنیادی ترین عوامل محسوب می شود. در رابطه با فرایندهای خانواده، این امر آشکار شده است که محیط خانوادگی، هدایت کننده رشد رفتارهای محیطی است.

در این محیط کوشش های ماهرانه فرد مورد تشویق قرار می گیرد و کودک پاسخ ها و بازخوب های واقعی دریافت می کند (آماتو^۱ و اوچیلتری، ۱۹۸۶). هر خانواده شیوه خاصی برای تربیت فردی واجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد این شیوه، شیوه (سبک) رزنند پروری نامیده می شود که متاثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی می باشد (هاردی^۲ و همکاران، ۱۹۹۳).

از طرفی مقوله استرس و راهبردهای مقابله با آن از جمله نخستین موضوعاتی است که در پنجاه سال اخیر بطور تجربی مورد توجه قرار گرفته و همین امر باعث شده که تحقیقات متعددی در مورد چگونگی مقابله با آن صورت گیرد. گفته می شود درصد قابل توجهی از بیماریهای جسمی و پریشینی های روانی، تحمل فشار روانی و ناتوانی فرد برای مقابله با آن است. علاوه بر اینها فشار روانی اختلال فیزیولوژیکی نیز ایجاد می نماید. استرس ممکن است بر سیستم ایمنی تاثیر گذارد و توانایی ارگانیزم در دفاع از خود در مقابل میکروب ها را به خطر اندازد. استرس باعث فزون کاری دستگاه عصبی سمپاتیک می شود و این عامل از طریق فزون کاری هورمون ها و اعضای دیگر، اختلال فیزیولوژیکی تولید می کند (باستانی، ۱۳۸۶).

^۱ Amato

^۲ Hardi

مقابله در واژه‌شناسی به عنوان تغییر مداوم تلاش‌های شناختی و رفتاری برای مدیریت نیازهای که تحمیل می‌شوند تعریف شده است (کامینگز، ۱۹۹۱). بنابراین مقابله انجام تلاش‌های آگاهانه برای حل مشکلات فردی و میان فردی و به دنبال چیره شدن، کاهش دادن یا تحمل استرس است (ویشتن و لوید^۱، ۲۰۰۸). مکانیسم‌های مقابله روانی عموماً به عنوان استراتژیهای مقابله یا مهارتهای مقابله خوانده می‌شوند. استراتژیهای ناآگاهانه یا غیرآگاهانه (مثلاً مکانیسم‌های دفاعی) عموماً مستثنی می‌شوند. روزه مقابله معمولاً به استراتژیهای مقابله سازگاری یا تطبیق‌پذیری اشاره دارند، یعنی استراتژی‌هایی که سطوح استرس را کاهش می‌دهند. اما برخی استراتژیهای مقابله می‌توانند سازگاری در نظر گرفته شوند یعنی سطوح استرس را افزایش می‌دهند، بنابر آنچه گفته شد بررسی ادراک از شیوه‌های فرزندپروری و شیوه‌های مقابله با استرس در رشد اخلاقی نوجوان امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد چون نوجوانان و کودکان باورهای متفاوتی را در همان سطح اخلاقی خود استدلال خواهند کرد اما می‌توانند براساس شیوه‌های فرزندپروری والدین خود باورهای دینی متفاوتی داشته باشند.

مقدمه

دوره نوجوانی در دختران با توجه به بلوغ جسمی و جنسی در این سنین در شکل‌گیری اخلاقی آنها بیشترین اهمیت را دارد، زیرا در این سال‌هاست که نوجوان با واقعیت‌های گسترده و پیچیده اجتماعی و فرهنگی و با تضادهای گوناگون فکری در زندگی مواجه شوند و از مقایسه تعارضات میان مفاهیم اخلاقی که قبلاً در خانواده و مدرسه آموخته‌اند با آن چه در محیط‌های وسیع‌تر و رسانه‌های غیر رسمی مشاهده و تجربه می‌کنند به این نتیجه می‌رسند که باید تعادلی در شناخت‌های اخلاقی خود ایجاد نمایند. آنان می‌فهمند که مجموعه باورهای اخلاقی آنها

^۱ Vishton and Ioid

فقط یکی در میان هزاران باور و اندیشه و رفتار اخلاقی است و لازم است که در نگرش خود درباره درستی و نادرستی امور مختلف تجدید نظر کنند. به این طریق، آنان ناچارند باورهای پیشین خود را مورد سوال قرار دهند و مجموعه تازه‌ای از داوری‌های اخلاقی را برای خود ایجاد نمایند (لطف آبادی، ۱۳۸۰: ۶۴). مطالعات بی‌شمار در مورد چگونگی رشد اخلاقی حاکی از آن است که رشد اخلاقی هم با طبیعت آدمی (کلبی و همکاران، ۱۹۸۳؛ لارنز، ۱۹۸۳؛ گودال، ۱۹۹۰؛ دووال، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۶؛ راجن، ۱۹۹۷؛ هافمن، ۲۰۰۰ و هاید، ۲۰۰۱)، هم با فرهنگ ملی (اسناری، ۱۹۸۷؛ سوبار و همکاران، ۱۹۸۷؛ هاوینز و گارود، ۱۹۹۳؛ واکر، ۱۹۹۶) و هم افزون بر توانایی ساختن با جوانب غیرشناختی روانشناسی آدمی (فروید، ۱۹۶۱؛ میشل، ۱۹۷۵) ارتباط قطعی دارد (به نقل از لطف آبادی، ۱۳۸۰). در تمامی سنین به ویژه در دوره نوجوانی رشد اخلاقی حائز اهمیت است، تحقیقات نشان می‌دهد نوجوانانی که در قضاوت اخلاقی رشد بیشتری کرده باشند نسبت به همسالان خود که در این زمینه از رشد پائین‌تری برخوردار می‌باشند بهتر می‌توانند به وسوسه‌های درونی خود غلبه نمایند و رفتارهای منفقانه‌تری از خود نشان دهند (لطف-آبادی، ۱۳۸۰).

یکی از عوامل موثر بر رشد اخلاقی، سبک فرزندپروری است. منظور از سبک‌های فرزندپروری روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود بکار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آنها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. در عین حال رفتارهای فرزندپروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند (لورابرك،^۱ ۱۳۸۸) در واقع فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای

^۱. Loraberk

خاصی است که کودک را تحت تاثیر قرار می دهد (دارلینگ و استنبرگ،^۱ ۱۹۹۳). بررسی ها نشان داده اند که نگرش های والدین نسبت به سبک شان با ادراک شیوه های فرزند از آن سبک ها متفاوت است (نینبرگ،^۲ لامبون،^۳ دارلینگ،^۴ مانس^۵ و درنوش،^۶ ۱۹۹۴). بنابراین در الگوهای جدید بیشتر چگونگی ادراک از فرزند پروری یعنی درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی والدین مورد توجه قرار گرفته اند. درگیری اشاره به فرصت هایی دارد که والدین به کودک اختصاص می دهند در رفع درگیری والدین درجه ای است که والدین فعالیت های مورد علاقه کودک را می شناسند، به آن علاقمندند و فعالانه در آن مشارکت می کنند (گرولینک و همکاران،^۷ ۱۹۹۷، ۱۹۴۸). حمایت از خودمختاری به درجه ای که والدین به آزادی در انتخاب خودانگیزخت و مشارکت کودکان در تصمیم گیری اهمیت می دهند و زمینه آن را فراهم می کنند اطلاق می شود (گرولینک و همکاران، ۱۹۹۷: ۱۴۷) و والدین گرم و پاسخگو، والدینی هستند که بوجه کننده، مشوق، استوار و صمیمی هستند (لانگ^۸ و همکاران، ۲۰۰۰). رفتار گرم والدین علاقه، محبت و ارزیابی مثبت از کودکان را به وجود می آورد (رپینسکی و وات بک، ۱۹۸۹؛ به نقل از رپینسکی و شانک،^۹ ۲۰۰۲).

عدم پذیرش از سوی والدین می تواند بر کاهش عزت نفس تاثیر داشته باشد و از این طریق موجب افزایش خلق افسردگی شود. مشکل در تعامل والدین - فرزندی نه تنها می تواند موجب ایجاد مشکلات هیجانی از قبیل افسردگی شود بلکه ممکن

^۱. Darling & Stenberg

^۲. Nitberg

^۳. Lambon

^۴. Darling

^۵. Manc

^۶. Derenbosh

^۷. Lang

^۸. Repinsgi & Shank

است موجب پاسخ های غیر سازگارانه نیز گردد (پاترسون و کالپادی، ۱۹۹۰). به عقیده ی پلگرینا، گارسیا و کاسانوا (۲۰۰۳) گرمی و محبت والدین منبعی است که به نوجوانان کمک میکند در محیط پیرامون خود جستجو کنند و از این رهگذر به احساس ایمنی، اعتماد و جهت گیری مثبت نسبت به دیگران دست یابند. پذیرش از طرف والدین شرط لازم برای ایجاد رفتارهای خاص مانند حرمت خود و اعتماد به نفس بالا است. دایانا بامریند از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ بر روی دو عامل تعیین کننده نوع تعامل والدین و نوجوان یعنی پذیرندگی و توقع مطالعه کرده است. عامل توقع حاکی ر درجه انتظار والد از نوجوان برای تنظیم رفتار و نظارت بر فعالیت های نوجوان است و عامل پذیرندگی حاکی از میزان گرمی والدین و حمایت از نوجوان است که مرجع یاد ابراز وجود و ایجاد هویت در نوجوان می شود.

